

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

موسوی  
18.09.09

## پرچمی زاده رسوا و "پدر خوانده" های جدیدش

به دنبال آنکه مبارز نستوه، استاد زبان و فخر قلم آقای "معروفی" با برخورد نقادانه عرصه را بر سایت پرچمی زاده رسوا و دو یار خرفت و خود فروخته از قماش خودش، تنگ نمود؛ مدتها شاهد بودیم که آنها از ترس حنا از نوشتن یک سطر نیز خود داری ورزیده، هر دری را دق الباب می نمودند تا مگر کمکی از جایی دریافت دارند. به دنبال این تلاشها که پای پرچمی زاده را تا ماورای ابصار نیز کشانید، سرانجام قلم فروشی که حاضر بود نام پدر را نیز حراج نماید، با نام مستعار "جمعه گل وردک" به کمک آنها شناخت.

"جمعه گل خان" با ارسال یک مطلبی که به زعم خودش طنز به شمار می آمد، خواست باب مشاجره را با پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" باز نماید، مگر اصول گرائی پورتال که به هیچ کسی اجازه نمی دهد تا با نام مستعار علیه یک شخصیت حقیقی و یا حقوقی جنبش مقاومت به لجن پراگنی دست یازد، توأم با پاسخ دندان شکن و علنی پورتال برای نامبرده، مدتی "ایشان" را در انتخاب از دو بدیل مخیر گذاشت:

1- نوشتن با نام حقیقی

2- نشر مطلب مورد نظرش در سایتی که از آن حمایت می کند.

هر چند آقای "جمعه گل وردک" در ظاهر بدیل سومی را انتخاب و اکنون با اسم مستعار دیگری "الحاج سمیع الدین فرخاری" به لجن پراگنی آغاز نموده، مگر با اندکی دقت مشاهده می شود که این عمل درست همان چیز است که ما می خواستیم. ما می خواستیم به همه ثابت نماییم که در عقب تمام خبائثت ها، ایمیل فرستادن ها و دشنام ها پرچمی زاده رسوا و باندش قرار دارند. می خواستیم به همه ثابت نماییم که خمیده راه رفتن باند "افغان جرمن" صرف نظر از " سرخمی تاریخی". آنها فقط به منظور فریب دادن دیگران صورت می گیرد. ما می خواستیم به همه به خصوص آن شیفتگان واژه های اخلاقی که تاب خواندن کلمات لج و برهنه را نداشتند ثابت نماییم که چگونه باند پرچمی زاده رسوا هیچ گونه بویی از اخلاق و عفت قلم نبرده اند.

با وجود آن از بابت تولد و پیدایش این مولود ناسپاس که به منظور خوشخدمتی برای اجانب و در حمایت از باند "افغان جرمن" پدر خود را مثل کفش عوض می نماید، بدون آنکه به مفهوم کار دقیق شود؛ هم به باند "افغان جرمن" تبریک گفت و هم به پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان".

برای باند "افغان جرمن" باید بدان خاطر تبریک گفت، که سر انجام قادر شدند کسی را بیابند، که می تواند چند سطر بدون غلطی فاحش املائی بنویسد - این حکم صرف در مورد مقاله اول "الحاج فرخاری" صدق میکند - ورود "وردک - فرخاری" در این عرصه نبرد که خود متصدیان باند را توان انجام آن نبود، می تواند در دراز مدت باعث گردد، تا خطوط فکری هر دو نهاد شفاف تر مورد بحث قرار گیرد و این هم درست همان چیز است، که ما می خواهیم.

عرض تبریک برای پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به ویژه فخر قلم آقای "معروفی" بدان سبب که با پافشاری روی مواضع افشاء گرانه شان قادر شدند، پشتوانه ها و نیروهای ذخیره باند "افغان جرمن" را بر روی صحنه بیاورند. با اطمینان در صورتی که کارد به استخوان استعمار و ایادی خود فروخته آن نمی رسید، حاضر نمی شدند "با تفنگ های پشت کندو" به جنگ دشمن بیایند.

و اما در رابطه با محتوای نامه کذائی این شخصیت مجهول الهویه و کذائی در خطوط کلی آن به منظور اجتناب از تکرار، این قلم روی چند نکته بحث خویش را متمرکز می سازم، امید از طرف دوستان دیگر در سایر موارد روشنی لازم انداخته شود:

**الف -** اولتر از همه باید دید که علت دشمنی و کین توزی باند "افغان جرمن" علیه پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" در کل و علیه شخصیت براننده فرهنگی و مبارز نستوه آقای "معروفی" چیست و چرا آنها هر چند گاهی، زمانی با "نهیق" و وقتی هم با "دندان نشان دادن" وقت ما را می گیرند. به نظر من در این رابطه نکات آتی می تواند ضمیر آنها را بیشتر آشکار سازد:

1- موفقیت های پورتال طی مدت یک سال گذشته که گزارش قسمی آن در محفل پر شکوه سالگرد پورتال از طرف آقای "معروفی" قرائت گردید، خلاف پیشبینی ها و تبلیغات سرسام آور "افغان جرمن" که آرزوی شان را مبتنی بر نابودی و مرگ پورتال از بام تا شام جار می زدند، مشت محکمی بود بر دهان انقیاد طلبان که مرگ امیال شان را باز گو می نمود.

2- سهم گیری فعال پورتال در مبارزات عملی از داخل افغانستان تا اروپا، استرلیا و امریکا و تلاش پیگیر متصدیان به خاطر گسترش ابعاد مبارزات آزادیخواهانه

3- شرکت فعال شخص آقای "معروفی" در بسیاری از تظاهراتی که در ضدیت با اشغالگران به وجود آمده بود به خصوص تاثیر انکار نا پذیر ایشان در سمت دهی تظاهرات برلین علیه اشغالگران به ویژه محکوم نمودن ارتش اشغالگر و جنایتکار المان که حتا بحث خروج قوای اشغالگر از افغانستان را به شعار انتخاباتی مبدل گردانید.

عوامل فوق و برخی نکات دیگری که به علت جلو گیری از طولانی شدن مطلب از آن انصراف به عمل آمد، سبب گردیده و در آینده نیز سبب خواهد گردید که تمام آنهایی که تا اکنون از قیل جنگ، فروش میهن و خون باشندگان آن ثروتی به هم زده و در همسوئی با سایر چپاولگران خون خلق ما را مکیده اند، منافع حقیر شان را که با بقای استعمار ارتباط ناگسستگی دارد، با خطر مواجه دیده در تقابل با پورتال عزم خویش را جزم نمایند.

وقتی این افراد به علاوه منفعت شخصی از سالیان متمادی در همکاری با استخبارات کشورهای میزبان خویش هم قرار داشته باشند، مسلم است که نمی توانند، سکوت اختیار نموده و به کار پورتال کاری نداشته باشند. استخبارات المان که از چندین طریق رسن انقیاد باند "افغان جرمن" را در داخل و خارج افغانستان در دست دارد، نمی خواهد و نمی تواند شاهد بی آزار شکوفائی پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" باشد. کافیسیت در چنین مواقعی یک اشاره به نوکران زر خرید خویش بنماید و آنها را با یک "اورکش" به جان "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" ببندازند.

**ب-** پرچمی زاده رسوا و باندش همیشه ادعاء داشتند، که نه ایمیل ها از آنهاست و نه هم از جریان وقایع خبر دارند، تولد آقای "فرخاری" با تمام ظاهر سازی ها خط بطلان بر مردم فریبی های باند مذکور کشیده، طینت زشت آنها را به همگان نمایاند. و آنها با افشای دم خروس "جمعه گل وردک" از زیر چین "الحاج فرخاری". به عبارت دیگر در حالی که وکیل مدافع اول باند "جمعه گل وردک" مطلب خویش را در هیچ کجائی به نشر نرسانیده، هرگاه "وردک" در "فرخاری" استحاله نیافته و هر دو نام در پیوند تنگاتنگ با باند انقیاد طلبان قرار ندارد، "الحاج فرخاری" از کجا به محتوای نامه "وردک" پی برده بود؟؟؟ نفس اطلاع "فرخاری" از محتوای نامه "وردک" نمایانگر یک ارتباط تنگاتنگیست، که بر محور باند شکل گرفته است.

**پ-** در نامه "الحاج فرخاری" چند جا از اخراج فرد معینی به ویژه با ایما و اشاره یک تن از متصدیان پورتال صحبت به عمل آمده است. چنین ادعائی می رساند که در بهترین صورت نویسنده شخص بی اطلاعیست که ندانسته در مورد موضوعی بحث می نماید، که از آن قطعاً اطلاع ندارد. یا به عبارت خودش "نهیق" از نادانی سر داده است. در غیر آن باید گفت جیره خوار بی مقداریست که می خواهد در تقابل با واقعیت "نهیق" سردهد. زیرا به استناد اسناد دست داشته و ایمیل های شخص پرچمی زاده رسوا، به علاوه آنکه پای اخراج در میان نبوده است، آنها حاضر بودند از همه چیزی خود بگذرند تا بزرگان جدانشده از سایت را با خود حفظ نمایند. مگر موجودیت خطوط فکری نامتجانس و مقابل همدیگر، این همزیستی را ناممکن ساخته در نتیجه به جدائی و ترک متصدیان پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از آن لانه تسلیم و انقیاد انجامید. در این رابطه امید است آن عده از متصدیان که افتخار بریدن از لانه انقیاد را دارند، بیش از این راز داری ننموده، تمام اسناد و مکاتیب را به نشر برسانند، تا سیه روی شود هر که در او غش باشد!!!

**ت-** آقای "الحاج فرخاری" باز هم به مانند پرچمی زاده و باندش، به شیپور از سر کشادش "پف" می نماید. بدان معنی که جدائی را در عوض آن که تقابل خطوط فکری مشخص معرفی دارد، می کوشد اختلاف سلیقه و خواص انسانی از قبیل عقده و یا حسادت را عامل جدائی معرفی دارد. همان طوریکه در این زمینه موضعگیری اخیر پورتال و نوشته آقای "معروفی" وضاحت دارد، عامل جدائی اختلافات شخصی و سلیقه نی نبوده، بلکه موضعگیری های متقابل و متضاد در رابطه با وضعیت فعلی افغانستان عامل آن بوده است.

با آنکه این نکته روشنتر از آن است که با مثال توضیح شود، جهت اقناع برخی از دوستانی که نخواستند به عمق اختلافات فی مابین دو نهاد متوجه گردند، باید نوشت:

- 1- "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، افغانستان را یک کشور اشغال شده، فاقد استقلال و مستعمره می داند.
- 2- "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نیروهای خارجی در افغانستان را نیروهای اشغالگر، دشمن کشور و مردم آن می داند.

3- "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" هر نوع همکاری با نیروهای اشغالگر را در حکم خیانت به میهن و انسانهای دربند آن میداند.

4- "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" حاکمیت ساخته شده در کابل را یک اداره مستعمراتی دانسته هیچ گونه "قانونیت" و "مشروعیت" برای آن قایل نیست.

5- "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" تمام اشکال مبارزه علیه اشغالگران را حق و وظیفه هر فرد افغان میداند.

6- "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" خیمه شب بازی های انتخاباتی را در تمام ساحه ها، قانونی ساختن تجاوز دانسته شرکت آگاهانه در آن را در حکم خیانت به امر استقلال کشور میداند.

7- "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" همکاری با جنایتکاران و خاینان "خلقی - پرچی" را محکوم نموده ، مجدانه می کوشد تا در حرکت به پاسخگویی کشاندن آنها به سهم خویش کاری انجام دهد.

8- "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" با وجود آنکه تضاد عمده را در مقطع کنونی "تضاد مجموع ملت علیه امپریالیزم اشغالگر" میداند، مبارزه علیه ارتجاع سیاه اعم از جهادی و طالبی را نیز بخش انفکاک ناپذیری از مبارزه خویش علیه امپریالیزم دانسته ، هر نوع مُمَاشات مقابل آنها را از پشت ضربه زدن به امر آزادی ملی ، دموکراسی و خون های ریخته شده در راه آن می داند.

با در نظر داشت نکات فوق و اینکه در تمام آن موارد طرزهای دید متفاوت و مقابل هم بین دو نهاد وجود دارد، و عملاً خلاف پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" که استوارانه به منظور حصول استقلال و آزادی ملی و طرد اشغالگران از میهن خود مبارزه می نماید، باند انقیاد طلبان "افغان جرمن" گستاخانه به تبلیغ انقیاد طلبی تا سرحد تبلیغ برای سربازان دشمن دست می زند و در داخل و خارج افغانستان با نهاد های امنیتی اشغالگران همکاری است، نمی دانم آن عده از دوستانی، که با پا در میانی و یا "مصالحه در ایام عید" می خواهند، در قضیه دخالت نمایند، نمی خواهند این اختلافات را ببینند و یا خدای نخواستہ برای آنها نیز مرز بین خدمت و خیانت به وطن و هموطن زوده شده است؟

پیشنهاد شخصی این قلم خدمت این بزرگان که در خیرخواهی شان هیچ جای شکی نیست، آن است که نخست تفاوت بین خطوط را نیک مطالعه نمایند، هر گاه در تشخیص مرزبندی ها ابهامی برای شان وجود داشته باشد، می توانند ده ها و صدها بار توضیح بخواهند ، می تو اند مطمئن باشند کوشش به عمل خواهد آمد، تا ابهامات برطرف گردد. بعد از آن با اختیار خود بین مبارزه به خاطر آزادی ملی، و چاکری اجانب یکی را انتخاب نمایند. چه تلاشهای مصلحت جوینه آنها به دشمنان میهن و آزادی آن این امکان را میسر می سازد، که با تخطئه محتوای اختلافات افراد دیگری را نیز به دام انداخته و صف خاینان را مطول تر بسازند.

ث- یکی از نکات دیگری که انطباق "وردک" را بر "فرخاری" می رساند، اهانت به یکی از شخصیت های پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از طریق مریض روانی دانستن وی می باشد.

مقابله با افراد از این منظر، به وضاحت می رساند، که نویسنده آن در دسترخوان امپریالیزم روس بزرگ شده و از جام پر از خون وی رفع عطش نموده است. تاریخ چند دهه از عمر شوروی دیروز بیشتر از هزاران سند را در سینه خود دارد، که سوسیال امپریالیست ها بهترین روش برای سرکوب و قلع و قمع کردن مخالفین صاحب نام را در "مریض روانی" دانستن آنها می دانستند. هرگاه از هیچ فردی اطلاع نداشته باشیم ، اسم "سرخاروف" فریکدان معروف شوروی را هیچ افغان با وجدانی نمی تواند فراموش نماید. چه وی بعد از آنکه علیه تجاوز کشورش بر افغانستان انتقاد نمود، "ک . ج . ب . وی را "مریض روانی" اعلام داشته ، زیر نام تداوی و

آسایشگاه وی را به زنجیر کشیدند. اکنون هم "پرچمی زاده رسوا" که در خدمت به نهاد های استخباراتی از پدر میراث دارد، به تاسی از روش بادران پدرش می خواهد، علیه پورتال و متصدیان آن به مبارزه دست بزند. غافل از آنکه اولاً این شیوه مبارزه دیگر کاملاً نخ نما گردیده و در هیچ کجا دیگر خریداری ندارد و ثانیاً انتخاب چنین شیوه هائی فقط "وابسته بودن"، گوینده اش را به نهاد های استخباراتی مسلح می سازد.

ج- یکی از نکات دیگری که جناب "الحاج" در بحث خود بدان اشاره نموده و جناب "مختارزاده" هم بدان پاسخ لازم ارائه داشته اند، ادعای تغییر مذهب دادن آقای "مختارزاده" می باشد.

در این زمینه جا دارد جناب "الحاج فرخاری" را اندکی تکان دهیم تا از خواب بیدار شده و فکر نکنند که اداره مستعمراتی و اسلام سیاسی، منتظر است تا دگر اندیشان را سر ببرد. به این "از مکه برگشته" باید فهماند که خیلی دیر به نهیق زدن آغاز نموده اند، چه:

1- به استناد منشور سازمان ملل و اعلامیه حقوق بشر انسانها در انتخاب دین آزادند - بدون معطلی باید بیفزایم که این ماده از دید این قلم ناقص بوده و حق دموکراتیک میلیونها انسان را در نداشتن دین نادیده می گیرد - قضیه اعتقاد به یک دین و مذهب به فرض آنکه ادعای درست هم باشد، مسأله کاملاً شخصی افراد است و به هیچ کسی ارتباط ندارد که چه کسی کدام اعتقاد را دارد و یا ندارد، حتی اگر آن کس چون جناب "الحاج فرخاری" صاحب نهیق بلند هم باشد.

2- به فرض آنکه این ادعا درست باشد، آقای "مختارزاده" به خاطر دین قدیم و یا جدیدش، دستان خویش را به خون کسی رنگین ننموده است. در این جا باید حق داشت از این "الحاج" که خار خورده و بار برده است، پرسید: تو که تغییر مذهب را باعث طعنه زدن و تحقیر طرف مقابل میدانی، غیرت اسلامی کجاست، وقتی ریسمانت را به دست کسی میدهی که گردنت را با گردن یک جنایتکار خلقی - پرچمی به دنبال هم می بندد؟ آنهم خلقی - پرچمی هائی که صد ها هزار افغان بی پناه را صرف به جرم داشتن اعتقادات اسلامی و باور های ارثی شان، به خاک و خون کشانیده اند.

جناب "الحاج"!

این غیرت اسلامی وقتی از شما پذیرفته می شد که قلاده گردن تان را از ریسمان جنایتکاران خلق و پرچم جدا میکردید.

چ- بر گردیم به هویت آقای "الحاج سمیع الدین فرخاری"

جناب "الحاج" شما در نامه اول تان وقتی از کلمه "این شهر" یاد می کنید، می خواهید به همگان بقبولانید، که گویا شما هم باشنده شهر "اسن" المان هستید، اما وقتی متوجه می شوید و یا کسان دیگری زیر عقل تان شمع روشن میکنند، که زود از شهر "اسن" برو جای دیگر، زیرا در شهر "اسن" تقریباً افغانها همدیگر شان را می شناسند به خصوص با نفوذی که پورتال و شخص آقای "مختارزاده" در آنجا دارند به زودی ثابت میکنند که هیچ مادری به این اسم و رسم فرزندی به دنیا نیاورده، بلکه این خود فرزند است که از امروز تا فردا پدر جدیدی برای خود دست و پا میکند، به فکر آن می افتید که جهت اثبات وجود حقیقی برایتان، خود را باشنده شهر "کریفیلد" Krefeld، مربوط ایالت "هسن" Hessen معرفی بدارید. غافل از آنکه خود این تلاش بهتر از هر سندی دال بر دروغ گوئی خودت و بیسوادی متصدیان باند "افغان جرمن" می باشد. اگر باور ندارید، لطف نموده این توضیح را بخوانید:

From Wikipedia, the free encyclopedia

**Krefeld** (German pronunciation: [kʁeˈfɛlt]), also known as Crefeld until 1929, is a [city](#) in [North Rhine-Westphalia](#), [Germany](#). It is located southwest of the [Ruhr area](#), its center just a few kilometres to the west of the River [Rhine](#); the borough of [Uerdingen](#) is situated directly on the Rhine. Krefeld is accessed by the [autobahns A57 \(Cologne - Nijmegen\)](#) and the [A44 \(Aachen - Düsseldorf - Dortmund - Kassel\)](#)

جناب "الحاج"!

شخص من از هویت حقیقی شما هیچ اطلاعی ندارم ، مگر همینقدر میدانم که وقتی در نوشته دوم تان خود را باشنده "کرفیلد" واقع در ایالت " هیسن" المان معرفی داشتید، حد اقل این نکته را به همه رساندید، که آدمی هستید احمق. چه اگر حمق ذاتی شما را به نهیق وا نمی داشت، اینک مجبور نبودید، این کلمات را در حق خویش مطالعه نمائید.

آخر چطور ممکن است کسی با سواد شما که شایسته است در بین بیسوادان باند افغان جرمن ادعای "علامه دهر" نمائید، در یک شهر زندگی نماید، مگر نداند که شهرش مربوط به کدام ایالت است. "هسن" و یا "نورد راین وستفالن" Nordrhein-Wesfalen؟

می دانید این نادانی شما و گوش درازی پرچمی زاده رسوا اما پر مدعا در امر کمپیوتر ، کار را به کجا میکشاند؟ و چه چیزی را باز گو می نماید؟

شما کسی هستید که در المان زندگی نمی نمائید، مستعار نویس بیمقداری هستید که آب را نا دیده موزه را از پا در آورده اید، به احتمال قریب به یقین "جمعه گل" خان نیز شما بوده هستید. فکر نکنید بعد از این باز هم دنبال بحث با شما را خواهیم گرفت. عکس آن، گذشته از مطالب قابل بحث در نامه های شما ، در نوشته های بعدی از "حمام پاریس" ، "تفرجگاه اتریش" ، سویدن و کارلسروهه خواهیم نوشت.

و اما نصیحتی هم خدمت جناب تان!

تا دیر نشده ریسمان عبودیت بنده ها را از گردن بدرید و با استغفار از گذشته حد اقل خود را بیشتر از این احمق نسازید. این لباسی را که انقیاد طلبان بر تو پوشانده اند ، مال خودت نه، بلکه صاحب آنرا نهیق گوشخراش مشخصه باشد.

**این رشته سر دراز دارد**